

Abstract

Determining the dowry for women's health in marriage is a confirmation in Islam and God Almighty has emphasized to pay it. Although it is emphasized in Islam that the acceptance of dowry is low and its abhorrence is high, but in recent years its amount has increased a lot and this has created problems in the society, for which it seems that the quorum has been determined. It can pave the way. In Islamic jurisprudence, there are two theories about dowry: The first view, which is the well-known opinion of the four general jurists, is that the dowry is not installable, but it depends on the consent of the parties, that the civil law also follows the popular view of the Qur'an and medicine. is. Although the acceptance of this theory in its own time and place did not challenge the dynamic laws and jurisprudence of Shiites, but now the society is waiting for the intervention of the sharia in this category. Despite the fact that in Islam, the acceptance of dowry is low and its abhorrence is emphasized, in recent years, the amount of dowry has increased a lot, and this has created problems for men. One of the problems with the family institution is the dispute over the amount of dowry of the wife, how to pay and increase or decrease it. An increase in the dowry after marriage and sometimes a decrease after the practical beginning of cohabitation. In any case, in order for these changes and transformed financial obligations of the couple to cover each other, it is necessary for their subsequent agreements to achieve an executive guarantee, such as the initial marriage agreement, to be documented in a legal form and to be legally valid. The dowry is possible and the heavy dowries are not possible due to the financial impossibility of the man, so for the validity of the agreement of the parties, there will be no other way but to limit their will.

Keywords: Women's health, Marriage, Marriage, Family, Decrease and increase of dowry

## بررسی جایگاه فقهی حقوقی ماهیت مهریه نکاح به و انواع و احکام آن در فقه و مذاهب اربعه

محمد اصغری حسامیه<sup>۱</sup>

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۵/۰۱

نادر مختاری افرکت<sup>۲</sup>

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۷/۰۵

علی ال بویه<sup>۳</sup>

## چکیده

تعیین صداق عقد برای سلامت زنان در ازدواج امری تأییدی در اسلام بوده و خداوند متعال نیز به پرداخت آن تأکید فرموده است. با اینکه در اسلام بر استاستحباب صداق عقدی کم و کراهت زیادی آن تأکید است ولی در سال‌های اخیر میزان آن افزایش زیادی پیدا کرده و این امر مشکلاتی را در جامعه بوجود آورده است، که بنظر می‌رسد تعیین نصاب برای آن می‌تواند راهگشا کرده است. در فقه اسلامی پیرامون صداق عقد دو نظریه وجود دارد: نظر اول که نظر مشهور فقهای اربعه و عامه است، آنست که صداق عقد نصاب پذیر نیست، بلکه این امر به تراضی طرفین بستگی دارد، که قانون مدنی نیز از نظر مشهور قرآن و طب تبعیت نموده است. اگرچه پذیرش نظریه مذکور در زمان و مکان خاص خود قوانین و فقه پویای شیعه را به چالش نکشید، لیکن در حال حاضر جامعه چشم انتظار مداخله شارع در این مقوله می‌کرده است. علی‌رغم اینکه در اسلام بر استحباب صداق عقد کم و کراهت زیادی آن تأکید است، در سالیان اخیر میزان صداق عقد افزایش زیادی پیدا کرده است و این امر مشکلاتی را برای مردان به وجود آورده است. یکی از مشکلات مبتلا به نهاد خانواده اختلاف و کشمکش بر سر میزان صداق عقد زوجه، نحوه پرداخت و افزایش یا کاهش آن است. افزایش مهریه نکاح پس از عقد نکاح و گاهی نیز کاهش آن پس از شروع عملی زندگی مشترک می‌انجامد. در هر صورت برای اینکه این تغییر و تحولات و تعهدات دگرگون شده‌ی مالی زوجین به یکدیگر جامعه‌ی عمل بپوشاند لازم است توافقات بعدی ایشان برای دستیابی به ضمانت اجرایی همانند توافق اولیه نکاح در یک قالب حقوقی مستند شده و قابلیت حقوقی پیدا کرده است همچنین چون یکی از شرایط صحت صداق عقد مقدورالتسلیم بودن آن است و صداق عقدهای سنگین، به علت عدم تمکن مالی مرد مقدورالتسلیم نیست، لذا برای صحت توافق طرفین، راهی جز محدود نمودن اراده آنان وجود نخواهد داشت.

کلمات کلیدی: سلامت زنان، نکاح، عقد، خانواده، کاهش و افزایش صداق عقد

۱. دانشجوی دکتری فقه و حقوق اسلامی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد زاهدان، ایران<sup>۱</sup>

۲. استادیار گروه فقه و حقوق اسلامی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد زاهدان، ایران. (نویسنده مسئول)

۳. استادیار دکتری فقه و حقوق اسلامی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد زاهدان، ایران.<sup>۳</sup>

## مقدمه

مهریه نکاح یکی از سنن بسیار کهن در روابط خانوادگی بشری است که مرد هنگام ازدواج، برای سلامت زنان قائل است. در شریعت اسلام هم این نهاد پذیرفته و اکنون هم مسأله مورد اعتنایی است. مسأله چستی حقوقی مهریه نکاح از جهات متعدد ضروری و حائز اهمیت است: به لحاظ کاربردی در روشن ساختن کارکردهای مطلوب مهریه نکاح مؤثر است و با روشن شدن کارکردها، می‌توان نهاد مهریه نکاح را از انحراف از محتوای خود و مسیر مطلوب خود باز داشت و عاملی برای انس و الفت و استحکام خانواده شود نه اینکه نقش مانع برای تشکیل خانواده و احیاناً تزلزل آن را ایفا کند. صداق عقد از جمله حقوق مالی زوجه است که با وجود داشتن پیشینه‌های تاریخی، دین اسلام به آن ماهیت و عنوانی خاص داده و آن را مستقل از عقد نکاح در نظر گرفته است؛ به گونه ای که، در فرض عدم تعیین صداق عقد یا تصریح به عدم تعلق صداق عقد، همچنان حق زوجه بر صداق عقد، به قوت خود باقی می‌ماند. در حقوق مدنی ایران به تبعیت از قرآن و طب، تعیین صداق عقد، مبتنی بر تراضی طرفین عقد نکاح می‌کرده است. هرچند در قرآن و طب نظر مخالفی مبنی بر عدم تجاوز میزان صداق عقد از مهریه نکاح السنه وجود دارد (شریف، مرتضی، ۱۴۱۵ ه.ق، ص ۲۹۲).

## مهریه نکاح المسمی و شرایط آن

## مهریه نکاح المسمی

"در اصطلاح مهریه نکاحی که در عقد نکاح معین می‌گردد مهریه نکاح المسمی نامند" مهریه نکاح المسمی مقدار صداق عقدی است که ضمن عقد نکاح مورد توافق و رضایت عروس و داماد قرار می‌گیرد و مرسوم است که زن و شوهر در ضمن عقد درباره میزان نوع صداق عقد به توافق می‌رسند و می‌پذیرند که در ازدواجشان مهریه نکاح قرار داده شود. به اینگونه صداق عقد که در حین انعقاد عقد یا پس از آن به تراضی (رضایت) زن و مرد معین می‌شود در اصطلاح حقوق «مهریه نکاح المسمی» گفته می‌شود. و تعریف دیگر اینکه مالی معین است که به هنگام عقد ازدواج یا پس از آن با توافق طرفین یا نمایندگان آنها تعیین می‌شود. این مال ممکن است عین کرده است، مانند خانه معین، یا منفعت، مانند اجاره بهای خانه معین، یا عمل کرده است دارای ارزش عقلی و شرعی، مانند تعلیم فن، و یا حق مانند دین شخص ثالث. اگر عین معین کرده است باید در زمان عقد ازدواج موجود کرده است. مثلاً مهریه نکاح المسمی ممکن است یک خانه یا یک باغ موجود معین کرده است. بطور کلی هر چه بتواند به ملکیت انسان درآید می‌تواند بعنوان مهریه نکاح قرار گیرد. چنانچه ماده ۱۰۷۸ ق.م در این باره می‌گوید: "هر چیزی را که مالکیت داشته کرده است و قابل تملک نیز کرده است می‌توان مهریه نکاح قرار داد."

## مقدار مهریه نکاح المسمی

تعیین صدق عقد با تراضی زوجین می کرده است و از این حیث در قوانین حقوقی، واحد و میزان مشخصی برای مهریه نکاح المسمی لحاظ ناست.

در مورد مقدار مهریه نکاح در قران و طب دو نظر وجود دارد: نظریه اول این است که صدق عقد از نظر کمی و زیادی محدودیتی ندارد و فقط از جهت کمی آن گفته اند که باید مالیت داشته کرده است. چنانچه در تحریرالوسیله چنین آمده است: "صدق عقد از نظر کمی و زیادی به مقدار تقدیر نمی شود (محدودیتی ندارد) بلکه آنچه که زوجین به آن رضایت پیدا می کنند، زیاد کرده است یا کم مادامی که به سبب کم بودن از مالیت خارج نشود....." برخی دیگر از قران و طب معتقدند که صدق عقد نباید از پانصد درهم معادل پنجاه دینار تجاوز نماید. این مقدار را اصطلاحاً «مهریه نکاح السنه» می نامند. که رسول الله (ص) تمامی همسران خود را به این مقدار کابین بست. به نظر این گروه چنانچه صدق عقد بیش از مهریه نکاح السنه کرده است به همین مبلغ برگشت خواهد نمود.

برخی از فقها از جمله امام خمینی تعیین مهریه نکاح السنه را صرفاً یک عمل استاستحبابی تلقی نموده و می فرمایند مستحب است که مهریه نکاح از جهت زیادی بیشتر از مهریه نکاح السنه نکرده است. حسین بن خالد گوید: از امام کاظم (ع) پرسیدم: چرا «مهریه نکاح السنه» پانصد درهم است؟ حضرت فرمودند: خداوند تبارک و تعالی بر خویشان واجب فرمود که هر مومنی اگر هرکدام از این ذکرها را صد مرتبه تکرار کرده است: الله اکبر، الحمد لله، سبحان الله، لا اله الا الله و صد مرتبه بر محمد و آل او صلوات بفرستد و بگوید: خداوندا! حورای بهشتی را همسر من قرار بده؛ خداوند چنین کرده است و این اذکار را مهریه نکاح او قرار دهد. و بدین جهت خداوند عزوجل به پیامبرش وحی فرمود: که مهریه نکاح زنان مومن پانصد درهم است و رسول خدا (ص) نیز همسران خود را به پانصد درهم مهریه نکاح فرمودند.

### مهریه نکاح السنه و مقدار آن به قیمت روز

در قران و طب اصطلاحی به نام «مهریه نکاح السنه» نیز وجود دارد (چنانچه در مبحث قبل به آن اشاره شد) که مقدار آن از پانصد درهم (معادل پنجاه دینار) تجاوز نمی کرده است و به علت این که این مبلغ را مهریه نکاح السنه می گویند آن است که پیغمبر اکرم (ص) این مقدار را مهریه نکاح زنان خود قرار داده اند. و برخی نیز گفته اند: مهریه نکاح السنه مهریه نکاح ی است که پیامبر (ص) برای دخترش فاطمه (س) تعیین کرده است. البته مهریه نکاح السنه از اقسام مهریه نکاح نمی کرده است و شاید بتوان گفت مهریه نکاح السنه نوعی مهریه نکاح المسمی محسوب می شود ولی سنت پسندیده ای است. ارزش مالی مهریه نکاح السنه و یافتن عامل مناسب برای آن، با توجه به خصوصیات مکانی، زمانی و اوضاع و احوال اقتصادی همواره متغیر خواهد بود. لذا برخی

۲- امام خمینی، همان منبع، ص ۵۲۹

۱- امام خمینی، همان منبع، ص ۵۲۹

از فقیهان و حقوقدانان معاصر محاسباتی را در جهت بدست آوردن معادلهای مناسب با عصر و زمان حاضر، ارائه داده اند که به نمونه ای از آن اشاره می کنیم: «... این مهریه نکاح پانصد درهم بود که معادل است با ۲۶۲/۵ مثقال پول نقره مسکوک به مثقال صیرفی (هر مثقال ۲۴ نخود) که اگر هر مثقال را ۵۰۰ ریال حساب کنیم، به پول امروز بالغ بر ۱۳۱۲۵۰۰ ریال خواهد بود.»

### مهریه نکاح المثل

اگر در نکاح دائم، مهریه نکاح ذکر نشود نکاح درست است و طرفین می توانند پس از آن بین خود به صورتی در مورد آن سازش و چیزی را معین کنند و اگر قبل از تراضی نسبت به آن، نزدیکی واقع شود، زن مستحق مهریه نکاح المثل است<sup>۱</sup> در ماده ۱۰۸۷ ق.م نیز در مورد مهریه نکاح المثل چنین آمده است: "اگر در نکاح دائم مهریه نکاح ذکر نشده یا عدم مهریه نکاح شرط شده کرده است نکاح صحیح است و طرفین می توانند بعد از عقد مهریه نکاح را به تراضی معین کنند و اگر قبل از قراضی بر مهریه نکاح معین بین آنها نزدیکی واقع شود مستحق مهریه نکاح المثل خواهد بود."

"مهریه نکاح المثل، اگر در نکاح دائم مهریه نکاح ذکر نشود، نکاح، درست است و طرفین می توانند پس از آن بین خود بصورتی، در مورد آن سازش کنند، و هرچه را خواستند معین نمایند و اگر پیش از تراضی در مورد مهریه نکاح نزدیکی واقع شود، زن مستحق مهریه نکاح المثل است یعنی صدای عقدای مثل صدای عقد زنان هم‌شان و هم‌دیف او"<sup>۲</sup> اگر در حین عقد مهریه نکاح تعیین نشود یا عدم آن شرط گردد یا مهریه نکاح المسمی باطل گردد و آمیزش هم واقع شده است زن مستحق مهریه نکاح المثل خواهد شد یعنی مهریه نکاح مطابق زنان همتای او تعیین خواهد شد. در صورتی که زن و شوهری ضمن عقد در میزان و نوع مهریه نکاح به توافق نرسند و یا مهریه نکاح ی معین کنند که فاقد اوصاف شرعی و قانونی کرده است، در صورت انحلال نکاح، قانون مدنی زن را مستحق مهریه نکاح المثل می داند. برای تعیین مهریه نکاح المثل باید وضعیت زن از حیث شرافت خانوادگی و سایر صفات از جمله وضعیت فردی و تحصیلات وی نسبت به کسانی که از نظر اجتماعی هم شان او هستند در نظر گرفته شود. و به عبارت دیگر ملاحظه حال زن و صفات او از سن، بکار، نجابت، و عفت و عقل و ادب و شرف و جمال و کمال و اضدا اینها است بلکه هرچه که عرفاً و عادتاً در بالا بردن و نقصان مؤثر است، ملاحظه می شود.

### موارد تعلق مهریه نکاح المثل

برطبق قانون مدنی زن در موارد زیر مستحق مهریه نکاح المثل می شود:

الف - در صورتی که در نکاح دائم مهریه نکاح ذکر نشده یا عدم مهریه نکاح شرط شده کرده است، پس از وقوع نزدیکی زن مستحق مهریه نکاح المثل خواهد بود. (ماده ۱۰۸۷ ق.م)

۱- کاتوزیان، ناصر، حقوق مدنی خانواده، چاپ سوم، ج ۱، ص ۱۵۰

۲- فیض، علیرضا، مبادی فقه و اصول، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، چاپ ۷، ۱۳۸۹ ص ۳۷۷

در صورتی که تراضی طرفین درباره مهریه نکاح المسمی به جهتی باطل کرده است مانند، موردی که مهریه نکاح المسمی مجهول کرده است یا مالیت نداشته کرده است که در مورد اخیر، مستحق مثل یا قیمت آن خواهد بود. (ماده ۱۱۰۰ ق.م.)

ب- در موردی که نکاح باطل است ولی زن از بطلان آن اطلاع ندارد در صورت وقوع نزدیکی، زن مستحق مهریه نکاح المثل است. (ماده ۱۰۹۹ ق.م.)

### مهریه نکاح المتعه

قبل از هر چیز لازم به نظر می رسد که معنی متعه مشخص شود زیرا متعه در معانی دیگری نیز بکار رفته است. متعه در اصطلاح دارای سه معنی می کرده است:

۱) ازدواج موقت یا نکاح منقطع:

که در برابر صداق عقد کم و برای مدت معینی صورت می گیرد و پس از پایان آن مدت خودبخود فسخ می گردد. الف- متعه حج:

در حج تمتع که پس از عمره از احرام بیرون آیند و آنچه به احرام حرام شده بود، حق بهره گیری و تمتع از زن حرام می شود. ب- متعه طلاق

هرگاه مرد قبل از نزدیکی و تعیین مهریه نکاح، زن خود را طلاق دهد، جامه ای یا هر چیز دیگری بعنوان هدیه به او بدهد، متعه طلاق یا مهریه نکاح المتعه نامیده می شود. معنی اخیر، (مهریه نکاح المتعه) مورد نظر می کرده است<sup>۱</sup>.

### مهریه نکاح المتعه و وجوه افتراق و اشتراک آن با مهریه نکاح المثل

هرگاه مقدار مهریه نکاح هنگام عقد ذکر نشده کرده است یا زوجین بر عدم آن توافق کرده باشند و شوهر بخواهد قبل از وقوع نزدیکی زن خود را طلاق دهد در این صورت زن استحقاق مهریه نکاح المتعه را خواهد داشت. (با استفاده از ماده ۱۰۹۳ ق.م.)

### تفاوت ها و شباهت های مهریه نکاح المتعه و مهریه نکاح المثل

مهریه نکاح المتعه با مهریه نکاح المثل تفاوتها و شباهت هایی دارد که به ذکر آن می پردازیم:

الف- در تعیین آن برخلاف مهریه نکاح المثل، وضع مالی و توان اقتصادی مرد ملاک می کرده است. برای تعیین مهریه نکاح المتعه دیگر شایستگی موقعیت خانوادگی، اجتماعی و... زن مورد نظر نیست. بلکه اسطاعت مالی مرد لحاظ می گردد چنانچه ماده ۱۰۹۴ ق.م می گوید: "برای تعیین مهریه نکاح المتعه حال مرد از حیث غنا و فقر ملاحظه می شود که مرد به تناسب مال و ثروت خود مالی به زن می دهد."

ب- قبلاً ذکر کردیم که مهریه نکاح المثل در مواردی داده می شود که نزدیکی واقع شده کرده است ولی مهریه نکاح المتعه اختصاص به نکاحی دارد که قبل از وقوع نزدیکی طلاق انجام شود. (با توجه به ماده ۱۰۹۳ ق.م.)

ج- استحقاق زن در گرفتن مهریه نکاح المثل بعد از نزدیکی ایجاد شود، خواه زوجیت ادامه یابد، یا در اثر طلاق یا فوت یا نسخ، نکاح منحل شود، ولی مهریه نکاح المتعه در صورتی به زن داده می‌شود که پیش از نزدیکی، مرد، زن خود را طلاق دهد، پس اگر در اثر فوت یکی از زوجین یا درخواست طلاق از طرفین زن، نکاح از بین برود، زن حق مطالبه مهریه نکاح المتعه را ندارد. مهریه نکاح المثل و مهریه نکاح المتعه از جهتی شباهت دارند و آن این است که هر دو در موردی معین می‌شوند که یا در ضمن عقد ذکری از مهریه نکاح نشده و یا توافقی در این جهت حاصل نگردیده است و یا عدم مهریه نکاح شرط شده کرده است.<sup>۱</sup>

### مالکیت زن بر مهریه نکاح

به مجرد انشاء عقد نکاح، زوجه مالک تمامی مهریه نکاح می‌گردد است. اگر مهریه نکاح، عین معین کرده است به مجرد تحقق نکاح، آن عین به مالکیت زن در می‌آید و او حق هرگونه انتفاع و تصرف مالکانه همچون فروش و اجاره آن را خواهد داشت. اگر مهریه نکاح عین کلی کرده است مانند مقداری پول یا طلا به محض وقوع عقد شوهر موظف به ادای آن خواهد بود و زن می‌تواند آنرا مطالبه کرده است. مگر اینکه مدت زمان خاص یا اقساطی جهت تأییدیه آن منظور شده کرده است. قانون مدنی در ماده ۱۰۸۲ تصریح می‌نماید که زن به مجرد عقد مالک مهریه نکاح می‌گردد و این مالکیت زن نسبت به مهریه نکاح را به صورت مطلق قرار داده است. یعنی زن می‌تواند هرگونه تصرفی در آن نماید. این مالکیت نسبت به نصف مهریه نکاح به مجرد عقد منجز و نسبت به نصف دیگر تا قبل از وقوع نزدیکی متزلزل است. در تحریرالوسیله در این مورد اینچنین بیان است: "و مالکیت تمام آن با وقوع نزدیکی مستقر می‌شود."<sup>۲</sup> بنابراین اگر شوهر قبل از نزدیکی زن خود را طلاق دهد و عین مهریه نکاح مالکیت زن موجود کرده است نصف مهریه نکاح به شوهر برمی‌گردد. در غیر اینصورت ملزم به دادن بدل آن از مثل یا قیمت آن خواهد شد و اگر هنوز مهریه نکاح پرداخت نشد، فقط نیمی از آن را استحقاق خواهد داشت.

### عوامل استقرار مهریه نکاح

سبب مالکیت مهریه نکاح عقد است ولی تمام آن در مالکیت زن مستقر نمی‌گردد و نیمی از مهریه نکاح ملک متزلزل زن می‌گردد است که بر اثر عوامل ذیل استقرار می‌یابد:

الف - نزدیکی: مهریه نکاح به سبب زناشویی استقرار می‌یابد و فقها اجماع دارند که وقوع نزدیکی از عوامل استقرار مهریه نکاح می‌گردد است.

در تحریرالوسیله مطلق و طی عامل استقرار مهریه نکاح بیان است.

"ادخول الذی یستقر به تمام المهریه نکاح هو المطلق الوط، ولودبراً..."<sup>۳</sup>

۱- یوسف زاده، حسن، پایش جامعه‌شناسی مهریه، کتاب زنان، شماره ۲۷۰، ۱۳۸۴، ص ۵۰

۲- موسوی خمینی، سید روح‌الله (امام خمینی)، تحریرالوسیله، موسسه نشر اسلامی، بی‌جا، چاپ پنجم، ۱۴۱۵ ه.ق، ص ۴۸۷

۳- همان منبع، ص ۴۸۹

ب- فوت زوج یا زوجه: چنانچه یکی از زوج یا زوجه بمیرند و نزدیکی هم واقع نشده کرده است تمامی مهریه نکاح المسمی به نفع زوجه مستقر می شود. در تحریرالوسیله تصریح است که: "اگر یکی از زوجین قبل از نزدیکی بمیرد اقوی آن است که همانند مورد طلاق، مهریه نکاح ضعیف می گردد خصوصاً موردی که زن فوت کرده کرده است."<sup>۱</sup>

ج- ارتداد زوج: اگر زوج قبل از وقوع نزدیکی مرتد شود و زوجه باید بلافاصله از او جدا شود در این صورت تمامی مهریه نکاح به نفع زوجه مستقر می شود. ولی اگر قبل از وقوع نزدیکی زوجه مرتد شود چیزی برای او نیست.

در قانون مدنی هرچند حکم دو مورد اخیر به صراحت بیان ناست ولی ماده ۱۰۸۲ بیان می دارد که زن به مجرد عقد مالک تمامی مهریه نکاح می گرد و ماده ۱۰۹۲ بیان می دارد که تنها طلاق قبل از نزدیکی باعث تضعیف مهریه نکاح می شود.

د- ابراء از مهریه نکاح :

اگر زن ذمه شوهر را از مهریه نکاح ابراء نماید و مرد نیز قبل از وقوع نزدیکی طلاقش دهد باید زن نصف مهریه نکاح را به مرد بدهد زیرا ابراء بمنزله قبض است.

بنابراین هرگاه زوجه قبل از طلاق ذمه زوج را بکلی بری نموده کرده است پس از وقوع طلاق زوج می تواند نیمی از مهریه نکاح را مطالبه کرده است هرچند که چیزی نپرداخته است.

توجه این مسئله روشن است زیرا زوجه هنگام ابراء مالک تمامی مهریه نکاح بوده و آن را به یکجا به زوج واگذار کرده. و طلاق موجب جدیدی است برای مالکیت زوج نسبت به نصف مهریه نکاح .

### دلایل و مستندات پرداخت صدق عقد

#### آیات

قرآن کریم در آیاتی به تشریح ابعاد مختلف مهریه نکاح و تعیین آن وجوب مهریه نکاح پرداخته است ولی لفظ مهریه نکاح در آن ذکر ناست و با تعبیر متعددی چون: صدق، متاع، فریضه، اجر، نحله این حق مالی را معرفی کرده است. فقها و مفسران اندیشه‌های متعددی در تبیین مهریه نکاح و وجوب آن ذکر نموده‌اند که به بیان چند مورد از آنها می پردازیم: آیه اول: خداوند متعال در سوره نساء آیه ۴ می فرماید: " وَأَتُوا النِّسَاءَ صَدُقَاتِهِنَّ نِحْلَةً فَإِن طِبْنَ لَكُمْ عَن شَيْءٍ مِّنْهُنَّ فَكُلُوهُ هَنِيئًا مَّرِيئًا." (مهریه نکاح های زنان را با میل قلبی و به عنوان هدیه بدهید و اگر چیزی از آن را به رضای خاطر به شما ببخشند آن را نوش و گوارا مصرف کنید)."

با توجه به اینکه در عصر جاهلیت برای زنان ارزشی قائل نبودند، غالباً مهریه نکاح را که حق مسلم زن بود، در اختیار اولیاء او قرار می دادند، و آن را ملک مسلم اولیاء زن می دانستند. گاهی نیز مهریه نکاح زن را در ازدواج دیگری قرار می دادند، به گونه ای که مثلاً برادری خواهر خود را به ازدواج شخص دیگری درمی آوردتا او هم در مقابل، خواهر خود را به ازدواج او درآورد و مهریه نکاح این دو زن همین بود، این نوع نکاح را شغار می نامیدند. اسلام این رسم را منسوخ کرد، پیغمبر اکرم فرمود «لا شغار فی الاسلام» یعنی

<sup>۱</sup> همان منبع، ص ۴۸۹



در اسلام معاوضه دختر یا خواهر ممنوع است اسلام بر تمام این رسوم ظالمانه خط بطلان کشید و مهریه نکاح را به عنوان یک حق مسلم به زن اختصاص داد. قرآن نیز با تاکید فراوان مردان را به رعایت این حق توصیه نموده است.

واژه‌های صداق و نحله از این آیه اتخاذ گردیده که ظاهراً صریح‌ترین آیه در خصوص مهریه نکاح می‌کرده است. اضافه شدن لفظ (صدقات) به ضمیر «هن» نشان می‌دهد که حکم به وجوب پرداخت مهریه نکاح در سنن ازدواج امری متعادل بین مردم بوده است. آنها مقداری از مال یا هر شیء دارای مالیت را برای همسران خود مهریه نکاح قرار می‌دادند!

### روایات

۱- روایت و شاء از امام رضا علیه السلام: "لو أن رجلاً تزوجَ إِمْرَأَةً وَجَعَلَ مَهْرِيهَا عَشْرِينَ أَلْفًا وَجَعَلَ لَهَا مَهْرًا عَشْرًا أَلْفًا كَانَتْ مَهْرِيهَا نِكَاحًا جَائِزًا وَالَّذِي جَعَلَ لَهَا مَهْرًا فَاسِدًا - اگر مردی با زنی ازدواج کرده است و مهریه نکاح او را بیست هزار درهم قرار دهد و برای پدرش نیز ده هزار درهم قرار بدهد مهریه نکاح جائز است و آنچه که برای پدرش قرار داده باطل است".<sup>۲</sup>

این روایت صحیح از یک سو هم دلالت بر صحت صداق عقد متجاوز از مهریه نکاح السنه می‌کرده است و هم اینکه صداق عقد را مختص دختر دانسته و انصراف آن به غیر را باطل می‌داند.

۲- ابی الصباح از امام صادق علیه السلام، سألته عن المهریه نکاح ما هو؟ قال: ما تراضی علیه الناس - از امام پرسیدم مهریه نکاح چیست؟ فرمود: آنچه که مردم بر آن تراضی می‌کنند.<sup>۳</sup>

۳- زراره از امام باقر علیه السلام: "الصداق کل شیء تراضی علیه الناس قلاً أو کثراً متعه او تزویج غیر متعه - مهریه نکاح هر چیزی است که مردم بر آن تراضی می‌کنند چه کم چه زیاد در متعه کرده است یا در ازدواج غیر متعه".<sup>۴</sup>

۴- عن ابی عبدالله (ع) فی المرثه تهب نفسها الرجل ینحکها بغیر مهریه نکاح : فقال: "انما کان هذا النبی (ص) و اما غیره فلا یصلح هذا حتی یعوضها شیئاً یقدم الیها ان یدخل بما قل او کثر و لو توب او درهم و قال: یجزی الدرهم". امام صادق (ع) درباره زنی که بدون مطالبه مهریه نکاح به نکاح با مردی راضی شده است فرمود: ازدواج بدون مهریه نکاح از اختصاصات پیامبر اکرم (ص) است و برای دیگران چنین امری جایز نیست مگر آنکه چیزی کم یا زیاد هر چند جامه یا درهمی کرده است قبل از زناشویی به همسر خویش بپردازد و در ادامه فرمود: برای مهریه نکاح پرداخت یک درهم نیز کفایت می‌کرده است.

۱- فیض، علیرضا، مبادی فقه و اصول، دانشگاه تهران، تهران، چاپ چهاردهم، ۱۳۸۲، ص ۴۲

۱- صفایی، همان، ص ۸۷

۲- حر العاملی، همان منبع، ص ۲۳۸

۳- حر عاملی، همان منبع، ص ۸۲۱

۵- قال رسول الله (ص): "ان الله ليغفر كل ذنب يوم القيامة الامهرية نكاح امرئه..."

پیامبر اسلام (ص) فرمود: خداوند هر گناهی را در روز قیامت می بخشد مگر گناه عدم پرداخت مهریه نكاح زن.

۶- عن ابی عبدالله (ع): "فی الرجل یتزوج المرئه و لا یجعل فی نفسه ان یعطها مهریه نكاح ها فهوزنا."

امام صادق (ع) فرمودند: "مردی که زنی را به نكاح خویش در آورد و قصد عدم پرداخت مهریه نكاح را داشته کرده است زنا کرده است."

۷- قال ابو عبدالله: "اسراق ثلاثه: مانع الزكوه مستحل مهمور النساء و كذلك فی استدان دینا و لم ینوقضاءه". امام صادق (ع) فرمودند:

دزدان سه گروهند: آنان که از دادن زکات امتناع می ورزند و کسانی که مهریه نكاح زنان را به خود حلال می کنند و افرادی که قرض می گیرند اما نیت ادای آن را ندارند."

۸- تعریف مهریه نكاح از نظر امام صادق (ع) "ابن صباح از امام صادق (ع) پرسید که مهریه نكاح چیست؟ حضرت فرمودند: «هر چیزی که مردم به پرداخت آن توافق کنند.»

### مهریه نكاح از نظر اسلام

در سنت اسلامی زن نمی تواند از پذیرش مهریه نكاح ولو به مقداری ناچیز سرباز زند و نیز این مهریه نكاح همچون حق الزحمه مادر، شیربهای زن، مزد خدمات پدر یا مادر نیست که آنها بتوانند آنرا ببخشند و از پذیرش آن خودداری کنند. در اسلام مسئله مهریه نكاح و پرداخت آن تا آن درجه اهمیت دارد که اگر شوهر زنی کافر کرده است و مهریه نكاح زنش را نپردازد دولت اسلامی او را موظف به پرداخت آن می کرده است و در صورت عدم قدرت از بیت المال به او می پردازد.<sup>۱</sup> در اسلام توصیه است که شوهر پس از انعقاد پیمان زناشویی متعهد به پرداخت مهریه نكاح به زن بوده و اوحق ندارد از پرداخت آن سرباز زند. و یا زن را در فشار گذارد تا او ناگزیر شود بخشی و یا تمام آنچه را که از مرد گرفته به او برگرداند در سخنی از پیامبر اکرم (ص) آمده است که خداوند ممکن است هر گناهی را ببخشد و از آن در گذرد ولی از مهریه نكاح زن نمی گذرد و در روایات دیگر عمل مرد را در فریب زن برای واداشتن او به بخشیدن مهریه نكاح و بی توجهی و بی اعتمادی به او، او را مورد جزا و عقوبت الهی قرار می دهد.<sup>۲</sup>

### آثار روانی مهریه نكاح

مهریه نكاح وسیله ای است برای بالابردن حیثیت زن، موجبی برای دلگرمی او در اداره کانون خانوادگی و زمینه ای برای تأمین آسایش فکری است. در حقیقت وسیله ای برای مطمئن ساختن زن به صفای قلبی خویش و پاسخی مثبت و صمیمانه به پیشنهاد عشق اوست. مرد با اعطای چنین هدیه ای می خواهد به زن بگوید تو را دوست می دارم، به عشق ورزی تو احترام می گذارم، صفای تو را ارج می نهم، با خاطره ای آسوده سرگرم زندگی باش. کانون خانوادگی را گرم و با صفا نگه دار، به تربیت صحیح نسل

۲- همان منبع، ص ۵۰.

۱- محمد تقی مصباح یزدی، جزوه حقوق و سیمی باشد در قرآن، درس ۲۱۱.

و تحویل آن به جامعه اقدام کن. بدین نظر او نیازمند به امنیت فکری، فراخ خاطر و امنیت عاطفی و اخلاقی است. اگر براین اساس توجیه شود صدق عقد وسیله ای مؤثر برای ایجاد مهریه نکاح و محبت بین زوجین و عاملی قوی برای الفت است. اما اگر زن وضع خود را در برابر خانواده و شوهر متزلزل ببیند قادر به انجام وظیفه همسری، مدیریت خانه و مادری نخواهد بود و نخواهد توانست در پی تربیت فرزندان آرام، متعادل و بهنجار موفق کرده است. اسلام برای شکل و استمرار نظام خانواده، پاره ای حقوق اقتصادی را برای زن قرار داده است:

الف: لزوم صدق عقد در ازدواج ب: وجوب هزینه زندگی زن بر عهده مرد ج: جواز درخواست مزد و اجرت در ازای شیردهی، پرستاری و امور خانه د: لزوم تأمین هزینه زندگی زن در ایام عدّه طلاق. به رغم توهم بعضی از مخالفان که پرداخت مهریه نکاح را به معنای خرید و فروش دختر و زن می‌گیرند و آن را زشت می‌انگارند، قرآن کریم بر این امر پای می‌فشرد که مرد باید صدق عقد ای (اگرچه اندک) به همسر خود بپردازد و این مسأله از قطعیات فقه ما است. اگر در ازدواج، صدق عقد ذکر نشود، در صورتی که نکاح دائم کرده است، مهریه نکاح المثل<sup>۲</sup> برعهده مرد می‌آید و در صورتی که نکاح، موقت کرده است، اساساً باطل می‌شود در فقه اهل سنت نیز تعیین و ذکر صدق عقد در نکاح لازم است، البته زن می‌تواند پس از انجام یافتن عقد نکاح، صدق عقد خود را به شوهر ببخشد، چنان که ممکن است از ابتدا، زن مالی را به مرد ببخشد تا مرد از آن مال، صدق عقد ای برای نکاح با آن زن قرار دهد.

قرآن کریم در این باره می‌فرماید: "وَأَتُوا النِّسَاءَ صَدَقَاتِهِنَّ نِحْلَهُ فَإِنْ طِبْنَ لَكُمْ عَنْ شَيْءٍ مِنْهُ نَفْسًا فَكُلُوهُ هَنِيئًا مَرِيئًا"<sup>۳</sup> و مهریه نکاح زنان را به طور کامل به صورت بدهی یا هدیه به آنان بپردازید. ولی اگر آن‌ها چیزی از آن را با رضایت خاطر به شما ببخشند، حلال و گوارا مصرف کنید. این که مرد با نیرنگ یا با زور، کابین و صدق همسر خود را از وی باز ستاند، عملی است که قرآن به شدت از آن منع می‌کند: "وَإِنْ أَرَدْتُمْ اسْتِبْدَالَ زَوْجٍ مَكَانَ زَوْجٍ وَآتَيْتُمْ إِحْدَاهُنَّ قِنْطَارًا فَلَا تَأْخُذُوا مِنْهُ شَيْئًا أَ تَأْخُذُونَهُ بُهْتَانًا وَإِثْمًا مُبِينًا وَكَيْفَ تَأْخُذُونَهُ وَقَدْ أَفْضَى بَعْضُكُمْ إِلَى بَعْضٍ وَأَخَذْنَ مِنْكُمْ مِيثَاقًا غَلِيظًا. و اگر تصمیم گرفتید که همسر دیگری به جای همسر خود برگزینید و مال فراوانی به صورت مهریه نکاح به او پرداخته اید، چیزی از آن را پس نگیرید. آیا برای پس گرفتن مهریه نکاح زنان، به تهمت و گناه آشکار متوسل می‌شوید؟! و چگونه آن را بازپس می‌گیرید، در حالی که شما با یکدیگر تماس و آمیزش کامل داشته اید و آنان هنگام ازدواج از شما پیمان محکمی گرفته اند؟"<sup>۴</sup>

۱- سوره مبارکه نساء آیه ۴.

۲- مهرالمثل، یعنی مهریه ای که در عرف برای مثل این ازدواج از نظر وضع و شؤون خانوادگی، در نظر گرفته می‌شود.

۳- سوره مبارکه نساء آیات ۲۰ و ۲۱.

۴- سوره مبارکه نساء، آیه ۲۰.

در تبیین و توجیه این حق اقتصادی برای زن می‌توان گفت که این امتیاز مالی از آن رو به زن تعلق می‌گیرد که اولاً وی برای انجام تکالیف و وظایف واجب و مستحب خانوادگی، متحمل زحمت‌ها و مشقت‌هایی می‌شود، و ثانیاً اموری از قبیل بارداری، وضع حمل، شیردهی، پرستاری، مراقبت فرزندان مانع از آن می‌شود که بتواند به فعالیت‌های اقتصادی بپردازد، از این رو برای آن که زن هم پاداش تلاش‌های خود را تا حدی دریافت کند و کارهایش یکسره بدون فایده اقتصادی نکرده است، برایش صدق عقد ای مقرر داشته اند.<sup>۱</sup>

### احکام صدق عقد

در ابتدا لازم است بیان داریم که همچنانکه ماده ۱۰۷۸ ق.م.بیان می‌دارد: (هر چیزی را که مالیت داشته و قابل تملک نیز کرده است می‌توان مهریه نکاح قرار داد)، تعیین صدق عقد یک توافق مالی بین زوجین است پس چیزی که بعنوان صدق عقد تعیین می‌شود باید ارزش مالی داشته کرده است به نحوی که عرف آن را دارای ارزش بدانند. لذا طبق همین ماده نباید آنقدر کم کرده است که ارزش مالی آن از بین برود. بعنوان مثال: یک دانه گندم یا یک قطره آب و چیزهایی از این قبیل دارای ارزش مالی نیست. علاوه بر این صدق عقد باید قابل تملک نیز کرده است. بنابراین قراردادن چیزهایی مثل مسکرات که استفاده از آنها شرعاً حرام بوده و مسلمان نمی‌تواند مالک آنها شود و همچنین قراردادن موقوفات به دلیل غیرقابل نقل و انتقال بودن آن بعنوان صدق عقد خلاف قانون است.

با توجه به تعاریف موجود از مال، مرد، اموری که به صورت عین، منفعت، حقوق مالی یا اشکال دیگر باشند را می‌تواند به نفع زن بعهد بگیرد. یا اینکه علم، فن یا چیزی را به وی آموزش دهد. چرا که این امور مستلزم صرف هزینه بوده و بگونه ای جنبه مالی دارد. آنچه در مورد صدق عقد مد نظر قرار می‌گیرد:

الف- زیاده روی نکردن و کم بودن آن مورد تشویق قرار گرفته است تا ازدواج به آسانی امکان پذیر کرده است و جوانان به خاطر صدق عقد و مخارج زیاد آن از ازدواج روی نگردانند. تخفیف و کم بودن صدق عقد مطلوب است. رسول‌الله صلی الله علیه وسلم می‌فرماید: "أَعْظَمُ النِّسَاءِ بَرَكَةً أَيْسَرُهُنَّ مَثْوَةً". بزرگترین زنان با برکت آنانی هستند که هزینه نکاح و صدق عقد آنان ساده‌تر کرده است. علاوه بر این صدق عقد دختران رسول‌الله صلی الله علیه وسلم چهارصد الی پانصد درهم بوده است. صدق عقد همسران رسول‌الله صلی الله علیه وسلم نیز، همین مقدار بوده است.

ب- نام بردن و معین کردن صدق عقد در مجلس عقد سنت است.

ج- صدق عقد بوسیله هر مال که قیمتش اندکی بیش از یک چهارم دینار کرده است صحیح است. رسول‌الله صلی الله علیه وسلم می‌فرماید: "وَأَلْتَمَسْ وَكَلَّوْ خَاتَمَ حَدِيدٍ"

از انس بن مالک رضی الله عنه روایت است: أن عبدالرحمن بن عوف جاء إلى رسول الله صلی الله علیه وسلم و به أثر صفره فسأله رسول الله صلی الله علیه وسلم فأخبره أنه تزوج امرأة من الأنصار، قال: كم سقت لها؟ قال: زنة نواة من ذهب، قال رسول الله صلی

۱- یوسف زاده، حسن، پایش جامعه شناختی مهریه، کتاب زنان، شماره ۲۷، ۱۳۸۴.

الله علیه وسلم أولم ولو بشاه متفق علیه. عبدالرحمن بن عوف نزد پیامبر صلی الله علیه وسلم آمد در حالیکه آثار زردی (زعفران یا حنا) بر او دیده می‌شد، پیامبر صلی الله علیه وسلم از حال او پرسید، (عبدالرحمن بن عوف) در پاسخ گفت که با زنی از انصار ازدواج کرده است. پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمود: چقدر صداق عقد برایش قرار داده‌ای؟ گفت به اندازه وزن یک هسته خرما طلا، پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمود: ولیمه بده اگرچه گوسفندی کرده است.

د- شتاب در پرداختن صداق عقد و دادن آن همزمان با برگزاری عقد ازدواج صحیح است و تأخیر کل آن یا بخشی از آن نیز جایز است. خداوند می‌فرماید:

"وَإِنْ طَلَّقْتُمُوهُنَّ مِنْ قَبْلِ أَنْ تَمْسُوهُنَّ وَقَدْ فَرَضْتُمْ لَهُنَّ فَرِيضَةً (البقرة: ۲۳۷).

و اگر آنان را پیش از آنکه با آنان نزدیکی کنید طلاق دادید، حال آنکه مهریه نکاح ی برای آنها معین کرده‌اید."

البته دادن بخشی از مبلغ صداق عقد قبل از زفاف مطلوب و مستحب است. در ابو داود و نسائی آمده است: رسول اکرم صلی الله علیه وسلم به علی رضی الله عنه امر کرد تا قبل از زفاف چیزی به فاطمه زهراء بدهد. علی رضی الله عنه گفت: من چیزی ندارم. رسول اکرم صلی الله علیه وسلم فرمود: زره تو کجاست؟ حضرت علی زره خود را به حضرت زهراء داد.

می‌توان صداق عقد را بطور نقد یا نقد و قسط یا تمام قسط و عندالمطالبه پرداخت کرد؛ برای مرد جایز است قبل از آنکه صداق عقدای پرداخت کرده است با همسرش آمیزش نماید، اگر مقدار صداق عقد معین نشده، مهریه نکاح المثل و اگر معین شده کرده است پرداخت مقدار تعیین شده بر مرد واجب است، و از عدم وفا به شروط عقد جداً خودداری نماید، چون پیامبر صلی الله علیه وسلم فرموده است: أحق ما أوفيتم من الشروط، أن توفوا به ما استحللتم به الفروج: سزاوارترین شروطی که باید به آن وفا کنید شروط نکاح است.

ه- صداق عقد در لحظه انجام عقد بر عهده شوهر تعلق می‌گیرد و با دخول و زفاف واجب می‌گردد. اگر بدلیلی همسر قبل از زفاف مطلقه گردید، نصف صداق عقد ساقط می‌گردد و نصف دیگر بر ذمه شوهر باقی می‌ماند. خداوند می‌فرماید:

"وَإِنْ طَلَّقْتُمُوهُنَّ مِنْ قَبْلِ أَنْ تَمْسُوهُنَّ وَقَدْ فَرَضْتُمْ لَهُنَّ فَرِيضَةً فَنُصْفُ مَا فَرَضْتُمْ (البقرة: ۲۳۷).

اگر پیش از دخول و خلوت صحیحه آنان را طلاق دادید و حال آنکه صداق عقد برای آنان تعیین گردیده است، پس نصف صداق عقد از پیش تعیین شده به آنان می‌رسد."

و- اگر شوهر قبل از تماس جنسی و بعد از انجام عقد نکاح فوت شود، صداق عقد کامل و سهم میراث به او تعلق می‌گیرد، اگر صداق عقدای تعیین است و اگر صداق عقد از قبل تعیین ناست، مهریه نکاح مثل به او می‌رسد و عدت وفات نیز بر وی واجب می‌گردد.

از علقمه روایت است: أتى عبدالله فى امرأة تزوجها رجل ثم مات عنها، و لم يفرض لها صداقا، و لم يكن دخل بها، قال: فاختلفوا إليه، فقال: أرى لها مثل مهرية نكاح نسائها و لها الميراث و عليها العدة فشهد معقل بن سنان أشجعي أن النبي صلى الله عليه وسلم قضى فيبروع بنت واشق بمثل ما قضى.

از عبدالله درباره زنی که مردی با او بدون تعیین صداق عقد ازدواج کرده و قبل از آنکه با او رابطه زناشویی برقرار کرده است فوت کرده، سؤال شد، (علقمه) گفت: درباره او اختلاف کردند، عبدالله گفت: به نظر من مهریه نكاح المثل به او تعلق می‌گیرد، ارث می‌برد و باید عده را بگذارند، معقل بن سنان اشجعی در همانجا گواهی داد که پیامبر صلی الله علیه وسلم درباره بروع بنت واشق مانند عبدالله حکم کرده است.

اولین حقی که زن بر مرد دارد حق گرفتن صداق عقد است. صداق عقد یعنی کابین، صداق، پول یا چیز دیگر که هنگام عقد بر ذمه مرد مقرر می‌شود.<sup>۱</sup> در قرآن در چندین مورد از این حق زنان سخن به میان آمده و با بیانات مختلف ولی مترادف درباره صداق عقد زنان سفارشهای اکیدی است.

"و إن طلقتموهن من قبل أن تمسوهن..."<sup>۲</sup>

ز- صداق عقد یک پشتوانه اجتماعی و اقتصادی برای زن است زیرا در صورت جدایی از یکدیگر لطماتی که بر مرد وارد می‌شود از نظر روحی، اجتماعی و مالی کمتر از زن است زیرا مرد با استعداد و توان بدنی خود در جامعه بهتر می‌تواند به کار و تلاش پردازد. و صداق عقد کمکی است به زن در تأمین معاش و حافظ عفت و احترام اوست. از آن گذشته امکان تشکیل زندگی مجدد برای مرد بیشتر فراهم است تا زن مطلقه، پس صداق عقد در واقع جبران خسارات و لطمات وارده بر زن را تا حد کمی انجام می‌دهد. صداق عقد زنی هم که در قید همسری است دلگرمی و اندوخته‌ای است که موجب می‌شود که او بهتر در خانه به کار و تلاش. مهریه نكاح با حیا و عفاف زن یک ریشه دارد. زن به الهام فطری دریافته است که عزت و احترام او به این است که خود را رایگان در اختیار مرد قرار ندهد. همین‌ها سبب شد که زن توانسته با همه ناتوانی جسمی مرد را به عنوان خواستگار به استانه خود بکشاند، مردها را به رقابت با یکدیگر وادار کرده است، با خارج کردن خود از دسترس مرد عشق رمانتیک به وجود آورد و آنگاه که تن به ازدواج با مرد می‌دهد عطیه و پیشکشی از او به عنوان نشانه‌ای از صداقت او دریافت دارد.<sup>۴</sup>

نحوه مطالبه صداق عقد

۱- فرهنگ عمید ص ۱۱۸۱.

۲- سوره مبارکه بقره، آیه ۲۳۷.

۱- نیک، سکینه، حقوق زن و شوهر در اسلام، ص ۱۲۰.

۲- مطهری، مرتضی، نظام حقوق زن، ص ۲۳۳.

برای شروع مطلب باید به این نکته اشاره کنیم که صداق عقد یا همان صداق در حقوق اسلام به عنوان هدیه ای معرفی است که از جانب شوهر به زن اهدا می شود و قانون ایران نیز صداق عقد را دینی می داند که از لحظه ی انعقاد (تشکیل) عقد نکاح بر ذمه شوهر مستقر می شود و وی مکلف است به محض مطالبه زن آن را تسلیم وی نماید. البته این قاعده ی عندالمطالبه بودن صداق عقد که بارها آن را نیز شنیده ایم مانند سایر قواعد که در حقوق و فقه جاری است بدون استثناء نمانده و منظور از این سخن آن است که عندالمطالبه بودن صداق عقد زمانی پذیرفته و ملاک عمل در محاکم خواهد بود که پرداخت آن حال کرده است. یعنی پرداخت آن بدون مدت و فوری کرده است و اگر چنانچه برای نحوه پرداخت صداق عقد از همان ابتدا توسط طرفین عقد نکاح (زن و شوهر) شرط و شروطی تعیین شده کرده است (مانند اینکه شوهر پرداخت مهریه نکاح را مشروط کرده است به تولد اولین فرزند خانواده) و یا برای پرداخت آن مدتی مقرر شده کرده است در اینجا زن نمی تواند تا زمان تحقق مورد شرط و یا به پایان رسیدن مدت مقرر شده صداق عقد خود را از شوهرش مطالبه نماید. آنچه در هنگام مطالبه باید مد نظر قرار گیرد

#### الف- صداق عقد طلب ممتاز است

باید دانست که صداق عقد از نظر قانون به عنوان طلب ممتاز شناخته است. یعنی چنانچه شوهر ورشکسته شود و طلبکارانی داشته کرده است که تقاضای توقیف اموال او را نموده باشند، در میان این طلبکاران، مهریه نکاح زن به عنوان طلب ممتاز تلقی شده و در پرداخت از اولویت برخوردار است. یعنی ابتدا مهریه نکاح زن از اموال و دارایی شوهر پرداخت می شود و بعد نوبت به سایر طلبکاران می رسد. در مواردی هم که شوهر فوت کرده است و طلبکارانی داشته کرده است یا ورثه ی او بخواهند ترکه را تقسیم کنند همین حکم جاری می شود که البته رسیدگی به تمام این امور باید در دادگاه و با طی تشریفات صورت پذیرد.

ب- پرداخت صداق عقد باید با توجه به زمان پرداخت آن کرده است :

چنانچه صداق عقد مندرج در عقد نامه، وجه رایج (پول نقد) تعیین شده کرده است، مقدار آن باید با توجه به زمان تأدیه (پرداخت) آن محاسبه شود.

تبصره الحاقی به ماده ۱۰۸۲ قانون مدنی مصوب ۱۳۷۶/۴/۲۹ مقرر می دارد: "چنانچه صداق عقد وجه رایج کرده است، متناسب با تغییر شاخص قیمت سالانه زمان تأدیه نسبت به سال اجرای عقد که توسط بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران تعیین می گردد محاسبه و پرداخت خواهد شد، مگر این که زوجین در حین اجرای عقد به نحو دیگری تراضی کرده باشند". پس مطابق با مفاد ماده یاد شده فرمول محاسبه صداق عقد بدین طریق است که : صداق عقد را ضربدر عدد شاخص بها در سال قبل از مطالبه و نتیجه را تقسیم بر عدد شاخص بها در سال وقوع عقد می کنیم. مثال: خانمی در سال ۱۳۸۰ صداق عقد خود را مطالبه می نماید.

#### نحوه اقدام برای مطالبه صداق عقد

زوجه برای مطالبه صداق عقد خود به چند طریق می تواند اقدام نماید که به توضیح هر یک می پردازیم :

اول- مراجعه به دادگاه خانواده :

زوجه می تواند به دادگاه ویژه خانواده (که در حال حاضر شعبه ای از دادگاه عمومی می کرده است) مراجعه نموده و با تقدیم دادخواست حقوقی به دفتر دادگاه، صدق عقد خود و سایر مخارجی را که برای دریافت صدق عقد (مانند هزینه ابطال تمبر و حق الوکاله وکیل) صرف می نماید را نیز از دادگاه تقاضا نماید و همزمان نیز می تواند تقاضای توقیف اموال و دارایی های شوهرش (به استثنای مستثنیات دین) را به نسبت ارزش صدق عقد، تحت عنوان توقیف تأمینی از دادگاه بنماید که متعاقباً دادگاه بنا به درخواست زوجه اقدام به صدور قرار توقیف تأمینی خواهد نمود.<sup>۱</sup>

منظور از مستثنیات دین، حداقل امکاناتی است که یک فرد برای امرار معاش و ادامه زندگی به آن نیاز دارد. و لذا نمی توان تقاضای بازداشت آن اموال را حتی به موجب حکم دادگاه نمود. مانند یک تخته فرش یا یک دستگاه یخچال، تلفن، منزل مسکونی که در شان مرد کرده است، لوازم کار مرد، و از این قبیل...

دوم-مراجعه به اجرای ثبت اسناد رسمی :

طریقه دیگر مطالبه صدق عقد به این صورت است که زوجه می تواند با به همراه داشتن سند رسمی ازدواج (قباله ازدواج) و مراجعه به دفتر رسمی ازدواج محل و پر کردن فرم مخصوصی که آن دفتر در اختیار زوجه قرار می دهد تقاضای صدور اجرائیه نماید. و با تسلیم آن اجرائیه به دایره ی اجرای ثبت که مستقر در اداره ثبت اسناد محل وقوع عقد است، صدق عقد خود را نیز مطالبه نماید. ماده ۹۳ قانون ثبت: این اجرائیه متعاقباً به شوهر وی ابلاغ می گردد و به مدت ده روز به وی مهلت داده می شود تا طلب (مهریه نکاح) همسر خود را بپردازد.

چنانچه در این مدت شوهر طلب همسرش را نپردازد، زوجه می تواند با معرفی اموال و دارایی شوهر (به استثنای مستثنیات دین که قبلاً به آن اشاره شد) و همچنین دُیونی را که شوهرش از اشخاص دیگر طلب دارد، از دایره اجرای ثبت تقاضای توقیف آن اموال را بنماید. همچنین، چنانچه شوهر، کارمند اداره یا مؤسسه ای اعم از دولتی یا خصوصی کرده است، زوجه می تواند تقاضای کسر حقوق از درآمد ماهیانه شوهرش را داشته کرده است که البته این مقدار از کسر حقوق در قانون محاسبه شده و به این صورت است که چنانچه زن و شوهر از یکدیگر جدا نشده باشند، و یا مرد دارای فرزند کرده است به میزان یک چهارم از حقوق وی و چنانچه زن و شوهر از یکدیگر جدا شده باشند و مرد فرزند هم نداشته کرده است و تا موقعی که شوهر همسر دیگری اختیار نکرده کرده است به میزان یک سوم خواهد بود.

### نتیجه گیری

نظر مشهور فقهی تجدید نظر و بازنگری در قرارداد را معتبر نمی داند. مبنای این نظر پایان یافتن عقد و عدم امکان ایجاد رابطه شرطیت بین آن و شرط الحاقی است. اما به نظر می رسد با توجه به تحلیل عرف از رابطه شرط و عقد، در صورتی که قصد طرفین ایجاد علقه مزبور کرده است، الحاق به عقد امکان پذیر است. بقای عقد در عالم اعتبار این امکان را به طرفین می دهد که در صورت نیاز در مورد برخی شرایط و اجزای آن بازنگری کنند. البته همانگونه که در این پژوهش اشاره شد، صحت عمل مزبور منوط به آن

۱- جوانفکر، عباس، زندانیان مهریه، نشریه اصلاح و تربیت، شماره ۱۳۸۴، ۱۱۶



است که توافق طرفین تنها در جهت تغییر جزئی در عقد صحیحی کرده است که سابقاً شکل گرفته است. در نتیجه توافق مزبور در جایی که موجب ابطال عقد سابق شود و یا ماهیت آن را به کلی دگرگون سازد، معتبر نیست. بررسی مثال‌ها و مصادیق مختلفی که در فقه و حقوق معتبر تلقی شده‌اند، نیز نشان می‌دهد که بازنگری در مفاد عقد اگرچه به صورت نظریه‌ای مستقل مورد اشاره قرار نگرفته است، اما در نظام حقوقی اسلام دارای سابقه است. افزون بر این، از ارتکاز عرفی و رویه‌ای که در عمل مورد استفاده قرار می‌گیرد نیز می‌توان در راستای تقویت اعتبار بازنگری در قرارداد بهره گرفت. در نتیجه باید پذیرفت بازنگری در مفاد قرارداد از اصول معتبر در حقوق اسلام است که به تبع آن در حقوق ایران نیز پذیرفته شده و مزایای عملی آن موجب گردیده در عرف نیز مورد استفاده قرار گیرد.

در نظام حقوقی ایران همواره اصل آزادی اراده و آزادی قراردادها در تعیین میزان صداق عقد از سوی زوجین به رسمیت شناخته است؛ امری که دارای پشتوانه فقهی نیز می‌کرده است؛ عرف جامعه نیز این امر را به مرحله پس از وقوع عقد نیز تسری داده و تمامی تغییرات صورت گرفته در صداق عقد اعم از افزایش و یا کاهش آن را با همان عنوان صداق عقد پذیرفته است؛ نتیجه‌ای که در اسناد رسمی تنظیمی در این خصوص پذیرفته شده و در بسیاری از آراء صادره نیز موضوع حکم قرار گرفته است. با این وجود، خروج صداق عقد از کارکرد حقیقی خود و افزایش نامتعارف میزان صداق عقد در بسیاری از موارد، حساسیت‌هایی را در خصوص میزان تعیینی صداق عقد‌ها و نیز موارد افزایش صداق عقد پس از عقد نکاح برانگیخته است.

#### منابع و ماخذ

- اصفهانی، محمدحسین (۱۴۰۶)، حاشیه کتاب مکاسب، ذوی القربی، قم.
- امامی، سید حسن (۱۳۷۱)، حقوق مدنی، انتشارات اسلامی، تهران.
- امامی، سید حسن، حقوق مدنی، کتابفروشی اسلامی، تهران، ۱۳۵۱.
- امامی، حسن (۱۳۷۴)، حقوق مدنی، چ پانزدهم، تهران، کتابفروشی اسلامی.
- امامی‌نمینی، محمود (۱۳۸۶)، ماهیت مهریه نکاح و نقد صداق عقدهای سنگین، مقالات و بررسی‌ها، ش ۸۷.
- انصاری، مرتضی (۱۴۱۵)، فرائد الاصول، جلد اول، مؤسسه النشر الاسلامی، قم.
- باباخانی، زرین (۱۳۷۷)، صداق عقد (حقوق خاصه زوجه)، نشر رامین، تهران.
- بروجردی، محمد (عبده)، کلیات حقوق اسلامی، دانشگاه تهران، تهران، چاپ دوم، ۱۳۳۹.
- پولادی، ابراهیم (۱۳۸۲)، صداق عقد و تعدیل آن، نشر دادگستر، تهران.
- شیخ الاسلامی، سید اسعد، احوال شخصیه، مرکز نشر دانشگاهی، تهران، چاپ اول، ۱۳۷۰.
- شیخ طوسی، ابی جعفر (۱۴۰۷)، المبسوط فی القران و طب، المكتبة المرتضویه، تهران.

شیخ مفید، محمد بن نعمان (۱۴۱۰)، رساله فی المهریه نکاح، تحقیق شیخ مهدی نجفی، کنفرانس جهانی هزارمین سال شیخ مفید.  
الصادقی، محمد (۱۴۰۸)، الفرقان فی تفسیر القرآن، فرهنگ اسلامی، قم.  
صافی گلپایگانی، لطف الله (۱۴۱۹)، جامع الاحکام، جلد دوم، مؤسسه حضرت معصومه (س)، قم.  
صفایی، حسین و امامی، اسدالله، حقوق خانواده، دانشگاه تهران، تهران، چاپ ششم، ۱۳۷۷.  
صفایی، حسین و قاسم زاده، سید مرتضی، حقوق مدنی، اشخاص و محجورین، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت)، تهران، چاپ دوازدهم، ۱۳۸۵.